

"ژان پل سارتر" فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی (1905م)

ژان پل سارتر نویسنده معروف فرانسوی، در 21 ژوئن 1905م در شهر پاریس فرانسه به دنیا آمد. وی در خردسالی پدر را از دست داد ...



ژان پل سارتر نویسنده معروف فرانسوی، در 21 ژوئن 1905م در شهر پاریس فرانسه به دنیا آمد. وی در خردسالی پدر را از دست داد و تحت نظر مادر و مادربزرگش تربیت یافت. سارتر پس از اخذ دانش‌نامه خود به تدریس پرداخت و از 33 سالگی، فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کرد. وی در سال بعد مجموعه داستان‌های کوتاه را تحت عنوان دیوان منتشر نمود و سپس خود، رمانی به نام تهوع نگاشت که باعث شهرت او شد. وی در این کتاب، اندیشه خود را درباره پوچی زندگی و آرزوهای که به ناکامی و آشفتگی روح می‌انجامد، منعکس می‌سازد. وی هم‌چنین در مجموعه داستان‌های کوتاه دیدار نیز کسانی را توصیف کرده است که هر یک می‌خواهند به نحوی از زندگی پوچ خود بگریزند، اما هر جا می‌روند به دیواری بر می‌خورند که راه گریزشان را ناممکن می‌سازد. سارتر در سال‌های بعد، به نشر عقاید خود پرداخت و در شمار رهبران مکتب اگزیستانسیالیسم یا اصالت وجود قرار گرفت. بر اساس این مکتب فلسفی، انسان و هستی او مرکز و غایت همه مسائل است. سارتر شالوده نظریات فلسفی خود را با تکیه بر آثار فلاسفه بزرگ جهان قرار داد. به نظر او، این فلسفه پاسخی به دردهای وی و دیگر ابناء بشر بود. پل سارتر می‌گفت: آن چه که من از زندگی دارم این است که فقط زنده هستم و این هم یک کیفیت خسته کننده است. من زندگی می‌کنم، فقط برای آن‌که بمیرم. همه ما، وجودهای مجعولی در یک دنیای مجعول هستیم. وی درباره آزادی، می‌گفت: در این دنیای ماشینی، ما آدمیان محکوم به آزادی هستیم، اما این آزادی ما را مجبور می‌سازد که در جستجوی ذات واقعی خویش برآیم و رنج و ملال شخصی را با بزرگواری پذیرا گردیم. مذهب اصالت وجود سارتر را می‌توان به تسلیم شجاعانه در برابر سرنوشت توصیف کرد که تعبیر جدیدی از بدبینی برخی فلاسفه است، اما بدون گله و شکایت. وی می‌گفت، بگذارید بدین فکر خرسند باشیم که تماشاگران شیفته وجود هستیم، ولی با آنچه مشاهده می‌کنیم هیچ‌گونه نسبت اساسی نداریم. سارتر عقیده نویسندگان گذشته را که از زیر بار تعهد شانه خالی می‌کردند و به اصل هنر برای هنر معتقد بودند، طرد می‌کند و نظر چنین نویسندگان را که اگر هم جامعه را وصف می‌کردند، چون ناظر ساده یا دانشمندی بودند که اجتماع را آزمایشگاه خود می‌پنداشتند، قبول ندارد. در نظر سارتر، عالم ادب نیز باید مانند هر امر دیگر، هدفی را دربرداشته باشد و از حال بی‌طرفی و بی‌غرضی بیرون و وظیفه خود را نسبت به عالم بشریت انجام دهد. افراد در نظر سارتر، اجزایی هستند که در هم تاثیر متقابل می‌گذارند و میان آنان تفاهمی است که موجب تشکیل روح کلی و واحد می‌گردد، پس هیچ کس نباید به کار دیگران بی‌اعتنا بماند. به عقیده او، در دنیا خدایی وجود ندارد و زندگی چیز بیهوده‌ای است. وی شخصاً آدم فوق‌العاده بدبینی بود با این حال، او ترجمان احساسات نومیدانه میلیون‌ها اروپایی است که زیر شلاق گرسنگی و بیکاری و عواقب جنگ، خرد و خسته شده بودند. پل سارتر نظرات خویش را ضمن یک سری کتاب، داستان کوتاه و قصه و نمایش‌نامه و مقالاتی منتشر می‌ساخت که بازتاب فراوانی در جامعه می‌یافت. همانقدر که فلسفه پل سارتر مورد انتقاد و اتهام قرار گرفته است، نوشته‌هایش هم از نظر بسیاری از مردم و منتقدین، ناپسند و هرزه است. بسیاری از جهان، فلسفه‌اش را فساد انگیز و غیراخلاقی شناخته‌اند به طوری که در سال 1948، نوشته‌هایش از طرف واتیکان، ضاله و گمراه کننده قلمداد گردید و برای هر کاتولیکی مطالعه آن ممنوع شد. علی‌رغم آن که سارتر همیشه از انسان‌گرایی دم زده است ولی به عنوان نمونه، وی بارها بر مظلومیت رژیم صهیونیستی اشک تمساح می‌ریزد و از ستم اعراب، به ویژه آوارگان فلسطین که سرزمینشان غصب شده، ناله‌ها سر می‌دهد. سارتر، مدت‌ها نویسنده و فیلسوف مورد علاقه و باب روز بود، اما بعدها از این نفوذ کاسته شد و بر مخالفان عقاید او افزوده گشت. از دیگر آثار سارتر می‌توان از تخیل، بود و نبود، راه‌های آزادی، شیطان و خدا و اندیشه‌های درباره قوم یهود نام برد. ژان پل سارتر سرانجام در سال 1980م در هفتاد و پنج سالگی جان سپرد.